

دکتر امیرحسینی

حرکت از وضع موجود به سمت وضع مطلوب، حرکت در برقراری تعادل در نظام اصطلاحنامه‌ها که در وضع صفر تعادل برقرار است و ثبات در هدف از طریق رعایت استاندارد است

مراتبی است و این وسیله سنجشی شده است تا میزان انسجام و یکپارچگی یک رشته را بر اساس اصطلاحنامه آن رشته بشناسیم. از یک^۲ یکی از اصطلاحنامه‌هایی است که دقیقاً چهره رشته تعلیم و تربیت^۳ را نشان می‌دهد، تعلیم و تربیت حوزه‌ای چند رشته‌ای است و این چهره را دقیقاً می‌توان در اصطلاحنامه^۴ از یک دید. برای اینکه بیشترین روابط معنایی در این اصطلاحنامه از نوع وابسته است، ارتباط وابسته یعنی ارتباطی که ما نتوانسته‌ایم سلسله مراتب برای آن تعریف کنیم، ولی معتقد بوده‌ایم که رابطه دارند. بسیاری از رشته‌های علوم پایه را می‌توان یافت که از نظر سلسله مراتبی روابط غنی‌تر از روابط وابسته دارند.

دکتر امیرحسینی: از آقای دکتر حری که به مقوله هستی‌شناسی اشاره فرمودند، می‌خواهم که برای اطلاع بیشتر، درباره هستی‌شناسی یا هستی‌نگاری در اصطلاحنامه‌ها هم مطالبی را ارائه بفرمایند. از آقای دکتر یعقوب‌نژاد تقاضا می‌کنم که درباره پیشینه تدوین اصطلاحنامه‌های علوم اسلامی دیدگاه‌های خود را ارائه بفرمایند.

دکتر یعقوب‌نژاد: بحث نمایه‌سازی در حوزه علمیه قم برای اولین بار در سال‌های ۶۷، ۶۸ و ۶۹ در مرکز تحقیقات و مطالعات اسلامی وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی مطرح شد. در آن زمان دسترسی به اطلاعات مطبوعات برای حوزویان، از جمله مباحث سیاسی و اجتماعی، خیلی مهم بود و دفتر تبلیغات با توجه به جایگاه اجتماعی‌اش در حوزه و نقش پیونددهنده‌ای که بین نظام و حوزه را بر عهده دارد، به این نتیجه رسید که باید مطبوعات را در یک برنامه منظمی کلاسه‌بندی و دسترسی حوزویان را به اطلاعات مطبوعات کشور فراهم کند. آن زمان بحث نمایه‌سازی مطرح شد. این عنوان و موضوع برای حوزویان خیلی ناشناخته بود و اولین مؤسسه‌ای که اقدام به این کار کرد، این مرکز بود. بنده آن وقت یک نمایه‌ساز بودم و به این برنامه‌ها علاقه داشتیم. از همان ابتدا بحثی که وجود داشت این بود که ما چطور باید نمایه‌سازی کنیم و به‌طور کلی نمایه‌سازی چه مقوله‌ای است. یکی از کسانی که در تفهیم این مسئله نقش داشت، آقای مهندس عمرانی بودند که با کمک ایشان نمایه‌سازی مطبوعات آغاز شد.

در سال ۶۹ به دلیل مزایایی که در نمایه‌سازی مطبوعات برای محققان حوزه، حوزویان و افراد دیگر از بانک اطلاعات دفتر تبلیغات وجود داشت، روش ما اینگونه بود که وقتی که مقاله‌ای را در روزنامه‌ای می‌خواندیم، چکیده و عنوانی برای آن تهیه می‌کردیم و چند کلیدواژه برای آن اختصاص می‌دادیم و در بانک اطلاعات عرضه می‌شد و

آیا این هستی، هستی ذهنیت تدوین‌کنندگان است یا هستی خود آن رشته؟ کجا می‌توان با این قاطعیت یکی را بر دیگری منطبق دانست. تحقیقات زیادی در این زمینه انجام شده است. به‌رغم این تحقیقات جانبی که هدف اصطلاحنامه نبودند، اتفاقاتی افتاد در باب اینکه تا چه حد زبان کنترل شده قادر است یا مخاطب ارتباط برقرار کند، آیا می‌تواند آنچه را که مخاطب دنبال آن است، به‌دست بیاورد.

آقای دکتر امیرحسینی به آن معادله‌ای که بین وضع موجود و وضع مطلوب قرار دارد، اشاره کردند و آن اینکه اگر هر پنج توصیفگر نوین وارد اصطلاحنامه شد، باید دقیقاً جا پیدا کند و این یک مزیت تلقی می‌شود. این بسیار مطلوب است، اما نکته اساسی این است که زبان کنترل شده چون بعد از تولید آثار علمی فراهم می‌شود، تقریباً می‌توان گفت که ما هرگز به چنین دستاوردی نمی‌رسیم، مگر اینکه توصیفگرهایی که وارد نظام می‌کنیم، نسبت به تولید منابع عقب باشند، والا خاصیت اصطلاحنامه این است که دنباله‌رو مفاهیم جدید است که در آثار علمی پدید می‌آید بنابراین، بسیار مطلوب است که ما اصطلاحنامه‌ای داشته باشیم که تفاضل آنها صفر باشد، باید از نظر تکنیک و افزودگی از منظر تولید به منظر اصطلاحنامه صورت بگیرد تا بتواند چنین چیزی را ادعا کند. به هر حال از آنجاکه آقای امیرحسینی به مطلوب‌ها تکیه دارند و بسیار خوب هم هست، خود به خود نظری که ایشان دارند می‌تواند موجب طرح اندیشه‌ای شود درباره اینکه چه کنیم که این فاصله را به صفر برسانیم و چگونه می‌توان اصطلاحنامه‌ای هم‌زمان با تولید آثار به وجود آورد. در باب اینکه اصطلاحنامه یک سیستم است کاملاً حق با ایشان است، اصطلاحنامه یک سیستم است و دلیل اصلی آن هم این است که اصطلاحنامه، در قیاس با سرعنوان موضوعی بسیار موفق‌تر بوده که خود را با محیط جدید الکترونیکی سازگار کند. این به‌دلیل همان نظام‌مند بودن آن است. این انضباطی که در اصطلاحنامه وجود دارد، سبب می‌شود به راحتی با محیطی که جز با انضباط نمی‌تواند سر و کار داشته باشد، سازگار باشد. عمر اصطلاحنامه بسیار کمتر از عمر سرعنوان موضوعی است، ولی اصطلاحنامه خیلی راحت‌تر توانست، به‌دلیل همین ویژگی، خود را با محیط جدید سازگار کند.

اصطلاحنامه از جمله منابعی است که دو چیز را می‌توان از آن استنباط کرد، یکی اینکه تا چه حد تدوین‌کنندگان قادر بوده‌اند آنچه را که در آن رشته وجود دارد، منعکس کنند و دوم اینکه آنچه منعکس شده چه چهره‌ای از آن رشته عرضه می‌کند. زیرا همه روابط هم‌بسته، هم‌راز و سلسله مراتبی از نوع معنایی هستند. ولی آن رابطه‌ای که انسجام مفهومی را در یک اصطلاحنامه نشان می‌دهد، رابطه سلسله



دکتر یعقوب نژاد

اصطلاحنامه علوم اسلامی از ۱۳۷۱ مطرح شد و تاکنون اصطلاحنامه‌های پنج حوزه تخصصی علوم قرآنی تدوین و منتشر شده است

محقق این اطلاعات را می‌گرفت و برای دیدن اصل آن به خانه مطبوعات مراجعه می‌کرد. با گذشت زمان به این نتیجه رسیدند که این کار مفیدی است و نمایه‌سازی مجلات اسلامی در ۱۳۶۹ به این کار اضافه شد.

در مرحله بعد بحث نمایه‌سازی مجموعه آثار از جمله مجموعه آثار شهید مطهری، علامه حسن‌زاده، آیت‌الله جوادی‌آملی و مقام معظم رهبری، در زمان ریاست جمهوری، و شخصیت‌های دیگر مطرح شد. دغدغه‌ای که ما در عمل داشتیم این بود که محققان فقط به عنوان و چکیده قانع نمی‌شدند و باید در بانک مطبوعات به اصل متن را جست‌وجو می‌کردند؛ ما وقتی در برنامه، سیاهه‌ای از لغات و کلیدواژه‌های مورد نظر محقق را به او نشان می‌دادیم، او انتخاب می‌کرد و می‌فهمید درون این متن چه چیزی وجود دارد. زیرا برای آن چکیده ساخته بودیم و خود متن موجود نبود و برای او مشکل بود که متن را در جای دیگری پیدا کند. بنابراین به این نتیجه رسیدیم که باید متن هم ضمیمه شود و به همین دلیل به مجموعه آثار بزرگانی که اشاره کردم، روی آوردیم و اولین مجموعه آثاری که به صورت تمام متن ارائه شد، مجموعه آثار شهید مرتضی مطهری بود که بعدها هم به‌عنوان نرم‌افزار مطهر ارائه شد. البته از نظر فنی اشکالات فراوانی دارد، ولی با توجه به اینکه مجموعه آثار شخصیتی مثل شهید مطهری یعنی ۶۸ جلد کتاب را در برمی‌گرفت، زمانی که حروفچینی و بر اساس منطق تزاروسی و اصطلاحنامه‌ای نمایه‌سازی گردید. همچنین از زبان کنترل شده در آن استفاده شد، بسیار مورد استفاده قرار گرفت و محققان بسیار اظهار علاقه می‌کردند و بسیاری از محققان حوزوی و غیرحوزوی در مقالات، تحقیقات و پایان‌نامه‌های خود از این نرم‌افزار بهره می‌گرفتند. تکامل کار نمایه‌سازی در مرحله بعدی این بود که ما به صورت تخصصی وارد حوزه‌های علوم اسلامی شدیم، که اینجا این سؤال مطرح شد که آیا باید به همین شکل پیش رفت. مطالعات فراوانی در این زمینه صورت گرفت و مشاوره‌های فراوانی از برخی از استادان گرفتیم.

آقای دکتر حری در اجلاس کاملیس که دبیر آن بودند، به بنده فرمودند که درباره اصطلاحنامه علوم اسلامی مقاله‌ای بنویسم که به ایشان گفتم شما که بهتر از بنده از مراحل و جریان کار خبر دارید. شما مقاله را بنویسید، ولی ایشان گفتند که شما بنویسید تا اثبات شود که حوزویان هم در این مقوله‌ها می‌توانند کار کنند و کار کردند. وقتی به آنجا رفتیم، متوجه شدیم که تا به حال کسی در حوزه علوم اسلامی اصطلاحنامه‌ای تدوین نکرده است.

طبق مطالعاتی که انجام شد ما به این نتیجه رسیدیم که باید

به سمت اصطلاحنامه علوم اسلامی حرکت کنیم و اگر قرار است که منابع اسلامی را به صورت تخصصی سازماندهی و دسترسی به اطلاعات دینی خود را فراهم کنیم، باید اصطلاحنامه‌های تخصصی ایجاد شود و این یک کار کاملاً بنیادی و جدیدی بود، زیرا منابعی وجود نداشت که ما ترجمه کنیم. از این رو اصول کار باید شناسایی می‌شد، اینکه مبانی اصطلاحنامه نویسی چیست و چطور باید اصطلاحنامه بنویسیم که موجب ایجاد دغدغه‌هایی شد. طبق فرمایش آقای دکتر حری، از یک یکی از اصطلاحنامه‌هایی بود که از نظر موضوعی به کار ما خیلی نزدیک بود و ما آن را بسیار مورد مطالعه قرار دادیم. مقدمه‌های اصطلاحنامه‌های (ریک و یونسکو ترجمه و بررسی شد و بعد از آن دستنامه‌ای به نام ساختار اصطلاحنامه علوم اسلامی زیر نظر دکتر حری تهیه شد که یک برنامه آموزشی بود. این دستنامه دست‌نوشته‌های ایشان شامل تذکرات و یادداشت‌هایی بود.

اصطلاحنامه علوم اسلامی از ۱۳۷۱ مطرح شد و تاکنون اصطلاحنامه‌های پنج حوزه تخصصی علوم قرآنی - که در ۱۳۷۶ منتشر شد - فلسفه اسلامی (دو جلد) - که فقط بخش القابی آن ارائه شد - منطق، اصول فقه و کلام اسلامی (دو جلد) تدوین و منتشر شده است. اصطلاحنامه اخلاق اسلامی دو سال است که در انتشارات است و هنوز چاپ نشده، اصطلاحنامه علوم حدیث تمام شده و در حال انتشار است، اصطلاحنامه فقه در حال تدوین است که ان‌شاءالله امسال تمام خواهد شد و اصطلاحنامه‌های دیگر از جمله حقوق، وقتی فقه را تدوین کردیم، متوجه شدیم که مجموعه‌ای از اصطلاحات در منابع دینی امروز ما وجود دارد که در حوزه حقوق قرار می‌گیرند. همان زمان علاوه بر کلام قدیم، رده‌ای را به نام اصطلاحات مسائل جدید کلامی باز گذاشتیم که اصطلاحات کلام جدید در همان رده قرار خواهد گرفت. اصطلاحنامه عرفان هم یکی از برنامه‌های ماست که به دلایلی آن را به تأخیر می‌اندازیم.

دکتر امیرحسینی: از خانم رهادوست که از صاحب‌نظران حوزه اصطلاحنامه‌نگاری هستند و در حوزه علوم پزشکی اصطلاحنامه‌هایی تدوین کرده‌اند، تقاضا می‌کنم در ارزیابی ساختاری اصطلاحنامه‌های علوم اسلامی دیدگاه‌های خودشان بیان کنند.

رهادوست: سلام و سپاس از کسانی که این نشست را برگزار کردند. در اینجا من دلایل ویژه‌ای برای این سیاست‌گذاری دارم که مایلم مطرح کنم. در سال ۱۳۶۵ من در دانشگاه علوم پزشکی ایران، مطالعاتی آزمایشی درباره مشق فارسی انجام دادم، و از آقای دکتر حری و



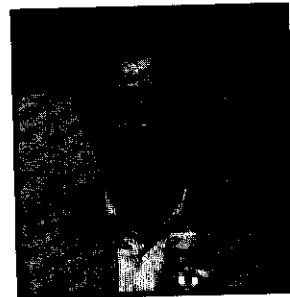
البته ارزیابی دقیق و جامع یک اصطلاحنامه باید بر اساس استانداردها صورت بگیرد. شاید لازم باشد کاری شبیه کار خانم مریم کارزانی که درباره چند اصطلاحنامه انجام دادند، انجام شود. یعنی استانداردهای جدید ایزو به عنوان معیار در نظر گرفته شود و اصطلاحنامه علوم اسلامی از نظر روابط معنایی و نحوه ارائه به دقت بررسی و ارزیابی شود. به هر حال من سعی کردم مقدمه‌ها را دقیقاً مطالعه کنم، چون مقدمه یک اصطلاحنامه، مقدمه یک کتاب معمولی نیست و اهمیت ویژه‌ای دارد.

در بررسی‌هایی که کردم، به چند نکته رسیدم که در این فرصت کم آنها را به صورت گذرا و فهرستوار عرض می‌کنم: اول اینکه مقدمه این اصطلاحنامه‌ها از سه فصل تشکیل شده است. ابتدا به طور کلی درباره اصطلاحنامه بحث شده، در فصل دوم درباره اصطلاحنامه علوم اسلامی است و فصل سوم هر مقدمه آن اصطلاحنامه خاص می‌پردازد. این یک تقسیم‌بندی بسیار معقول و منطقی است. اگرچه در مقایسه اصطلاحنامه‌های قدیمی با اصطلاحنامه‌های جدید، به نظرم رسید مقدمه اصطلاحنامه‌های جدید روان‌تر و بهتر بودند و مطالب غیرضروری حذف و مختصر و مفیدتر شده است. اما همین مقدمه‌های اصطلاحنامه‌های جدید اشکالاتی دارد: در بخش ۲-۱ و ۲-۲ مقدمه اصطلاحنامه منطبق آنجا که اهداف اصلی و اهداف کاربردی آمده است، معمولاً اصلی را در مقابل فرعی یا ویژه و بنیادی و نظری را در مقابل کاربردی قرار می‌دهند. اما بحث من این است که دیدم بسیاری از مطالبی که در بخش کاربردی گفته شده، یعنی اهداف کاربردی اصلی هستند و این اشکال منطقی ایجاد می‌کند. چون در اینجا کاربردی، تلویحاً به معنی غیر اصلی است. در صورتی که واقعا اینطور نیست و دیدیم برخی از مطالب کاربردی است. بسیار مهم و اصلی هستند و این تقسیم‌بندی، به خصوص در اصطلاحنامه منطبق کمی بر خلاف انتظام بود. حتی در شکل ارائه مطالب در قسمت کاربردی هم به نظرم اشکالی وجود دارد، مثلاً مواردی که ۱ و ۲ و ۳ گذاشته بودند، از نظر ساختاری همسنگ

خانم سلطانی، آقای سینایی و چند تن از متخصصان علوم پزشکی بازخورد گرفتیم. طبق فرمایش دکتر یعقوب نژاد در سال ۶۸ در قم مرکز تحقیقاتی کار نمایه‌سازی را آغاز کرد. در سال ۷۲ اولین مش فارسی بنده چاپ شد. در نخستین سال‌های دهه ۷۰ اصطلاحنامه نما کار خانم بهشتی و همکاران ایشان منتشر شد. شما به این سال‌ها، از ۱۳۶۵ تا ۱۳۸۶، توجه کنید که تقریباً بیش از دو دهه بیشتر است. در این مدت بنده، آقای دکتر یعقوب نژاد و خانم بهشتی تا به حال یکدیگر را ملاقات نکرده بودیم و امروز روزی تاریخی است و اتفاق مبارکی است که کسانی که در حوزه مشترکی کار می‌کنند، بعد از ۲۰ سال همدیگر رامی‌بینند!

و اما اصطلاحنامه علوم اسلامی که چندی پیش به دست من رسیده و در فرصت کمی که داشتیم به بررسی آن پرداختیم. البته سعی کردم بررسی‌ام سطحی نباشد هرچند ممکن است نکته‌هایی هم از چشم من گذشته باشد. در همین مدت کوتاه که این اصطلاحنامه‌ها را بررسی می‌کردم، احساس کردم کار بزرگی انجام شده است. زیرا ما که در کار اصطلاحنامه هستیم، می‌دانیم که کار چقدر بزرگ و سنگین است و در دسر دارد و به نظر من به چند دلیل باید به آنها تبریک گفت. دلیل اول اینکه کار با برنامه‌ریزی بوده است، چیزی که در کشور ما امتیاز بزرگی محسوب می‌شود. دومین دلیل اینکه کار در اجرا، روش‌مند، هدف‌مند و منظم انجام شده است. سومین دلیل این است که از نظر متخصصان رشته، آقای دکتر حری، سعی شده استفاده شود و به تخصص احترام گذاشته شده و این امتیازی است که این روزها کمتر دیده می‌شود. چهارمین دلیل این است که تلاش شده اصول اصطلاحنامه‌سازی به طور عمیق مطالعه شود، یعنی کار در عمق بررسی شده و سطحی برخورد نشده است. و پنجمین دلیل تحسین من این است که به نظرم رسید متولیان این کار وقت، نیرو، انرژی و حتی عشق بر سر این کار گذاشتند و این برداشت من از مطالعه این چند جلد در طول چند روز بود.

دکتر حری خاصیت اصطلاحنامه این است که دنبال‌رو مفاهیم جدید است که در آثار علمی پدید می‌آید



نمودند و در جایی به صورت مصدر آمده و در جای دیگر به صورت جمله و جایی به صورت کلیدواژه در فصل دوم مقدمه در بخش ۱-۱ گفته شده که نمایه‌سازی بر اساس ساختار اصطلاحنامه پیشنهاد شده است. در اینجا منظور نمایه‌سازی کنترل شده بوده است، ولی دلایلی برای برتری نمایه‌سازی کنترل شده ارائه گردیده که این دلایل هیچ ارتباطی با آن موضوع ندارد. چون تعریف نمایه‌سازی است نه دلایل ترجیح نمایه‌سازی کنترل شده. ما وقتی می‌خواهیم برای یک چیز خاص دلیل بشماریم، باید دلایل دقیقاً درباره همان مطلب باشد، نه اینکه بگوییم نمایه‌سازی چه کاربردی دارد، در حالی که بحث ما درباره نمایه‌سازی کنترل شده است. در همین فصل در قسمتی اشاره شده بود که برای اماکن، افراد و اشخاص بهتر است اسامی را به همان صورتی که هستند، به کار ببریم، البته منظور اسم اشهر بوده است. این برای من یک سؤال ایجاد کرد. من خودم در اصطلاحنامه پزشکی در مواردی گفتم که باید نظر متخصص را ارجح بدانیم، یعنی یک جاهایی متخصص ماهیچه می‌گوید و در جایی عضله را. ما سعی می‌کنیم تا جایی که بشود این یکدستی را ایجاد کنیم، ولی جایی که این مفهوم خلاف اصطلاح متداول آن متخصص بود، باید نظر متخصص را ترجیح بدهیم. در مورد اماکن و اسم سازمان‌ها ما چنین مسئله‌ای نداریم و قوانین مستندها را نمی‌توانیم نادیده بگیریم. چون اگر قرار باشد که مثلاً همان حوزه علمی به منظور که من در شناسه پشت کتاب در قسمت فیبا دیدم به همان صورتی که طبیعی به نظر رسیده فهرست شود، در آن صورت مشاهده آشفته‌گی‌هایی خواهیم بود که قابل کنترل نخواهد بود.

ایجاد یکدستی درباره نام سازمان‌ها و نهادها یک ضرورت است و اگر قرار باشد نام‌ها به همان شکلی که هستند، ظاهر شوند، وقتی که اختلاف پیش بیاید (که می‌آید)، نمی‌توان تصمیم‌گیری کرد و بازیابی دچار مشکل خواهد شد. البته شاید مؤلف محترم پاسخی داشته باشند، ولی در مقدمه به من منتقل نشد، شاید به این دلیل که ترمینولوژی به کار رفته در این اصطلاحنامه، ترمینولوژی اصطلاحنامه‌سازی نیست. شما در لا به لای بندها می‌بینید که مفاهیم کار ما در آن هست، ولی مثلاً مجموعه‌ای از اصطلاحات داریم مثل پشتوانه انتشاراتی که بسیار اولیه و جا افتاده است یا پشتوانه کاربران یا یک سری اصطلاحات اصطلاحنامه‌سازی که من به طور کلی اصلاً پیدا نکردم.

نکته‌ای که برای من مورد سؤال برانگیز بود، این بود که پشتوانه انتشاراتی این اصطلاحنامه چه منابعی بوده‌اند، آیا الکترونیکی بوده‌اند یا چاپی و یا هر دو؟ آیا پشتوانه انتشاراتی به قصد نمایه‌سازی تهیه شده است یا از اول منابعی بوده و بعد تصمیم گرفته‌اند که اینها را نمایه‌سازی کنند و آیا ابتدا تصمیم گرفتند که اصطلاحنامه منطبق را

دکتر امیرحسینی: از خانم بهشتی که زحمات بسیاری در اصطلاحنامه‌نگاری و تدوین اصطلاحنامه‌های تخصصی در پژوهشگاه اطلاعات و مدارک علمی

دکتر حری

عمر اصطلاحنامه بسیار کمتر از عمر سرعنوان موضوعی است، ولی اصطلاحنامه خیلی راحت‌تر توانست خود را با محیط جدید سازگار کند

کشاورزی^۶ ارائه دادیم. این اصطلاحنامه متأسفانه در ایران اصلاً شناخته شده نیست، ولی روی سایت فائو قرار گرفته و ما در همین مدت کوتاه ایمیل‌های بسیاری داشتیم که به عنوان اولین کار در زبان فارسی هم تشکر کرده بودند و هم پیشنهادهایی ارائه شده بود.

در زمینه مسائل زبان‌شناختی اصطلاحنامه علوم اسلامی همان طور که خانم رهادوست فرمودند، در مقدمه آمده که دست‌اندرکاران از «استاندارد ۲۷۸۸»، استاندارد تدوین اصطلاحنامه تک‌زبانه استفاده کرده‌اند و من اضافه می‌کنم که «استاندارد ۵۹۶۴» را هم ما برای چندزبانه استفاده کردیم و پیشنهاد می‌کنم که برای آینده اصطلاحنامه علوم اسلامی از این استاندارد استفاده کنند و ان‌شاءالله بتوانیم این اصطلاحنامه را در سطح دنیا و به‌صورت بین‌المللی و حداقل در سه زبان عربی، فارسی و انگلیسی داشته باشیم. در اینجا مسئله اصلی کنترل واژگان مطرح می‌شود. یعنی بعد از اینکه ما نرم‌افزار را تهیه و تدوین کردیم و استاندارد شد و نیز جمع‌آوری واژگان بر اساس پایگاه اطلاعاتی انجام شد، کنترل شکل ظاهری اصطلاح از لحاظ دستوری، املائی، جمع و مفرد، اختصارات، واژه‌های جمع و مرکب، گزینش بین دو یا چند مترادف و تصمیم درباره پذیرش و نحوه برخورد با انواع واژگان خاص مسئله مهمی است.

یکی از مشکلات همه دست‌اندرکاران تدوین اصطلاحنامه، واژه‌های قرضی است که به زبان وارد شده است و فکر می‌کنم که در اصطلاحنامه علوم اسلامی هم واژه‌های قرضی از زبان عربی وجود دارد و گاهی مشاهده می‌شود که کل عبارت عربی است و هیچ نوع معادل فارسی برای آن در نظر گرفته نشده است و علت آن این بوده که بین متخصصان موضوعی کاملاً متداول بوده و این نیاز احساس نشده که برای آن معادل فارسی بگذارند. یکی از دغدغه‌های ما در علوم پایه این بود که مهندسان و متخصصان علوم پایه ترجیح می‌دهند که از زبان انگلیسی استفاده کنند و به زبان فارسی علاقه زیادی ندارند، ولی ما تأکید بر این داشتیم که معادل‌های فارسی را وارد کنیم، تا از این طریق و با همکاری فرهنگستان بتوانیم معادل‌های فارسی را تعمیم دهیم.

یکی از مشکلات در اصطلاحنامه‌نگاری این بود که واژه‌هایی که فرهنگستان معادل‌گذاری می‌کرد، متداول نبود. به همین منظور ما اصلی را برای خود قرار دادیم و آن این است که واژه‌ای را که ما به‌عنوان معادل به کار می‌بریم متداول باشد و بسامد بالایی در بین کاربران اطلاعاتی ما داشته باشد. تشخیص دادیم که واژه‌هایی را که متداول نیستند و برای کاربران ناآشنا هستند، در ارجاعات قرار دهیم، ولی حتماً معادل فارسی آن را در اصطلاحنامه بگذاریم. در

متحمل شدند، تقاضا می‌کنم که در بررسی زبان‌شناختی اصطلاحنامه‌های علوم اسلامی دیدگاه‌های خود را ارائه فرمایند.

حسینی بهشتی: قبل از هر چیز می‌خواستم از همکاران و استادان محترم در حوزه علمی قم و مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی که زحمات بسیاری متحمل شدند، تشکر کنم. چون خودم حداقل ده سال دست‌اندرکار بودم و به مطالعه و تحقیق در این زمینه پرداختم و سعی کردم که راه‌حلی برای ساماندهی واژگان بانک‌های اطلاعاتی پژوهشگاه اطلاعات و مدارک علمی ارائه کنم و به‌عنوان عضو کوچکی از یک گروه بزرگ ۳۰ نفره که با بنده همکاری داشتند، معتقد بودم که هر رشته تخصصی را باید متخصصان موضوعی آن رشته بررسی کنند و در تدوین اصطلاحنامه‌ها متخصصان موضوعی باید پیشگام باشند و در کنار آنها زبان‌شناسان و اطلاع‌رسانان قرار می‌گیرند.

البته ما برخی از اصطلاحنامه‌ها را صرفاً ترجمه و برخی دیگر را تألیف کردیم و به همین دلیل است که می‌گویم زحمات فراوانی را که استادان محترم در حوزه علمی کشیدند، کاملاً بارز است، به این علت که تدوین اصطلاحنامه بسیار مشکل‌تر از ترجمه و تألیف آن است. ترجمه اصطلاحنامه ابتدا با اصطلاحنامه اسپاین شروع شد که تدوین یونسکو بود و از لحاظ ساختاری مشکلاتی داشت که البته همه اینها به پای ما گذاشته شد و اشکالاتی که از لحاظ نرم‌افزاری پیش آمد و متأسفانه یکی دو مشکل عمده که باعث تدوین نقدی بر این اصطلاحنامه شد. من اصلاً گلایه نمی‌کنم، واقعاً برای من راهگشا بود. اما انتظار داشتیم که استادان گرامی ما را راهنمایی و همراهی کنند. آن نقد باعث شد که به این فکر بیفتیم که به‌طور کل برای رشته‌های علوم پایه، مهندسی و کشاورزی، که بیشترین اطلاعات و مدارک ما در این زمینه به مرکز اطلاعات می‌رسید، فکر اساسی کنیم. به همین منظور وقتی که آقای دکتر بودین، نماینده اینفوترن و سازمان یونسکو، اصطلاحنامه نما را بررسی کردند، اشکالات آن را بیان و ما را راهنمایی کردند و علت آن هم این بود که خانم او فارسی‌زبان بود و می‌توانست آن را بررسی کند. ما تصمیم گرفتیم که در رشته‌های مختلف به‌صورت انفرادی کار کنیم. به همین منظور علوم پایه را آغاز کردیم و تا الآن توانستیم در همه این رشته‌ها اصطلاحنامه‌ای برای رفع نیاز پژوهشگاه تدوین و ترجمه کنیم و ارائه دهیم. اگرچه بدون نقص نیست و من خوشحال می‌شوم که همکاران عزیز و استادان محترم ما را در این زمینه راهنمایی کنند. اصطلاحنامه کشاورزی اگرووک^۷ را هم ترجمه و تدوین کردیم و به سازمان خوار و بار و



رهادوست

ایجاد یکدستی درباره نام سازمان‌ها و نهادها یک ضرورت است و اگر قرار باشد نام‌ها به همان شکلی که هستند، ظاهر شوند، وقتی که اختلاف پیش بیاید (که می‌آید)، نمی‌توان تصمیم‌گیری کرد و بازیابی دچار مشکل خواهد شد

تجزیه کرد؟ مگر در موارد خاص چون در برخی جاها سوء تعبیر می‌شود و نمی‌توان این کار را انجام داد. ولی در بسیاری از موارد تا آن حد که من معلومات دارم می‌توان آنها را تجزیه کرد.

کدگذاری مدخل‌های واژگانی باید بر اساس منابع مورد استفاده صورت بگیرد، ما سعی کردیم در اصطلاحنامه‌ها این کار را انجام دهیم، چون یکی از سؤال‌هایی که مطرح می‌شود این است که این معادل را از کجا آورده‌اید؟ اگر این کار صورت گرفته باشد، به‌عنوان پشتوانه اصطلاحنامه به راحتی قابل دسترسی است. نکته بسیار مهم دیگر تغییر نامگذاری مفاهیم بر اساس تاریخ تحول مفاهیم به‌ویژه در علوم و فقه شیعه باید مشخص شود و حداقل در فایل‌های جداگانه‌ای مرتبط با اصطلاحنامه ثبت شود، زیرا استاندارد می‌کند که در این زمینه هست، استاندارد ام‌سی^{۱۱} است که اشاره می‌کند شما می‌توانید آن را به‌عنوان فایل مجزا ثبت و نگهداری کنید و اصطلاحات منسوخ شده و اصطلاحاتی را که الآن به کار می‌رود و حتی دلایل آن را می‌توانید ثبت کنید. در کشور آلمان این کار را انجام می‌دهند و حتی در حوزه حقوق، علوم سیاسی و اقتصاد هم این کار را انجام داده‌اند. ولی من به‌خصوص در علوم اسلامی فکر می‌کنم که خیلی مهم است که در چه تاریخی یک مفهوم نامگذاری شده و در چه تاریخی این نامگذاری تغییر کرده و چرا این تغییر ایجاد شده است.

پیشنهاد دیگر من این است که داوران و متخصصان موضوعی هر رشته در سطح حوزه و دانشگاه برای رفع اشکالات، اصطلاحنامه را نقد و بررسی و پیشنهادها خود را، چه از نظر معادل‌های فارسی و مهم‌تر از آن از نظر روابط مفهومی ارائه کنند. البته دیدگاه‌ها متفاوت است حتی در علوم پایه هم که ما کار می‌کنیم، دیدگاه دانشمندان متفاوت است. برخی از موارد می‌بینیم که اعم و اخص را هر کس از دیدگاه خودش انجام می‌دهد، ولی به‌طور کل ۹۰ درصد اینها مشترک هستند و می‌توانیم این کار را انجام دهیم. در نهایت تدوین نرم‌افزار مورد نیاز خود این سیستم است که ان‌شاءالله بتواند از لحاظ ساختاری مشکل آن حل شود و نظم مفاهیم را به‌طور کامل تعیین کند.

دکتر امیرحسینی: اگر اجازه بدهید من در جایگاه منتقد در این جلسه سه سؤال خود را مطرح کنم. اولین مسئله درباره تحلیل کمی پیوستگی، وابستگی و انسجام در اصطلاحنامه‌های علوم اسلامی است. در این مقوله سنج‌های آماری و رسای کمی وجود دارد، این سنج‌های آماری در پایان‌نامه بنده تحت عنوان «عوامل کمی و کیفی مؤثر در نظام ذخیره و بازیابی اطلاعات در اصطلاحنامه‌های فارسی» مد نظر قرار گرفته است که نسبت پیوستگی^{۱۱} اولین نسبت است که در ۱۳۶۸ توسط کوچن

اصطلاحنامه علوم اسلامی هم باید چنین کاری انجام شود. اگرچه کار مشکلی است، چون اساتید حوزه بیشتر زبان‌شان عربی است و به راحتی از آن استفاده می‌کنند و شاید لزومی نداشته باشد که برای آن معادل‌سازی کنند، اما من فکر می‌کنم ما برای نسل آینده باید نهایت تلاش خود را بکنیم.

پیشنهاد دوم من این است که استادان حوزه با استادان دانشگاه‌ها، از طریق مرکز نشر دانشگاهی یا فرهنگستان زبان و ادب فارسی ارتباط مستقیم داشته باشند. همین موضوع حقوق که آقای دکتر فرمودند، در حال حاضر در دانشگاه تهران کار می‌شود. استادان گروه حقوق در حال تدوین اصطلاحنامه‌ای هستند، تقسیم‌بندی علوم و زیرمجموعه‌های آن را هم انجام داده‌اند و نرم‌افزار آن را هم در اختیار گرفتند و بهتر است که این دو بخش بر اساس پیشنهاد خانم رهادوست به هم متصل شوند و از تجارب یکدیگر استفاده کنند. برای اینکه واژه‌های فارسی در سطح حوزه و دانشگاه متداول، استاندارد و یکسان‌سازی شود و مهم‌تر اینکه بتوانیم در آینده با کمک استادان دانشگاه اصطلاحنامه چند زبانه علوم اسلامی را تهیه کنیم.

به نظر می‌رسد که در بسیاری از موارد مدخل واژگانی که به کار برده شده نیاز به یادداشت دامنه دارد. البته در مقدمه گفته شده که یادداشت دامنه چنین و چنان است، ولی در متن چنین چیزی دیده نمی‌شود و در ویرایش‌هایی که به من داده شده، ندیدم که یادداشت دامنه داشته باشد. شاید در ویرایش‌های جدید در نظر گرفته شده باشد. پس نیاز به یادداشت دامنه و توضیحگر بیشتری دارد، به‌خصوص اگر قرار باشد در سطح عموم و نه فقط در حوزه‌ها استفاده شود. رده‌بندی سلسله مراتبی باید نظام‌مند باشد و از ابتدا سطوح تعداد واژگان اعم و اخص مشخص باشد. در استاندارد می‌کند که ما به کار بردیم اشاره شده که سعی کنید که سه سطر پیش بروید، ولی گاهی پیش می‌آید که ابهام ایجاد می‌شود و اکثراً ما می‌توانیم این کار را انجام دهیم. اگر ارجاعات بیشتری برای اکثر مدخل‌های واژگانی ایجاد شود، بسیار مفید است. تلفیقی که قرار است از اصطلاحنامه‌ها صورت گیرد و به‌صورت کلان درآید، حداقل به سه زبان فارسی، عربی و انگلیسی آورده شود و من زبان آلمانی را هم به آن اضافه می‌کنم، چون در فلسفه حتماً باید زبان آلمانی اضافه شود، زیرا فکر می‌کنم فلاسفه و شرق‌شناسان بزرگ در آلمان بیشترین استفاده را از آن خواهند کرد. همچنین تا حد امکان از اصطلاحات مرکب استفاده نشود، چرا که در اصطلاحنامه علوم اسلامی ما می‌بینیم که به دلیل اینکه پیش‌هم‌آرایی مراعات و دقت بیشتری در بازیابی ایجاد شود، متأسفانه از عبارات یا کلمات مرکبی که خیلی طولانی هستند، استفاده می‌شود. آیا می‌توان این عبارات طولانی را به‌نحوی به واژه‌های ساده‌تر

رها دوست

صاحب‌نظران رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی که به‌صورت نظری و عملی در حوزه اصطلاحنامه‌سازی کار کرده‌اند، امروز در فکر باشند و بنیاد انجمن اصطلاحنامه‌سازان ایران را بریزند

اصطلاحات وابسته در اصطلاحنامه اصول فقه معادل ۸۹ درصد است یا به‌عبارت دیگر چرا دامنه کاربرد اصطلاحات وابسته در این اصطلاحنامه‌ها وسیع است. اجازه می‌خواهم سؤال دیگری را هم طرح کنم که درباره تعادل در کاربرد توصیفگر و غیرتوصیفگر در اصطلاحنامه‌های علوم اسلامی است، نسبتی که در اینجا مورد تحلیل قرار می‌گیرد، نسبت تعادل است. نسبت تعادل، نسبتی است که بین توصیفگر و غیرتوصیفگر برقرار می‌شود. این نسبت در ۱۹۷۰ پیشنهاد شده است و نشان می‌دهد که باید بین استفاده از توصیفگر و غیرتوصیفگر در اصطلاحنامه‌ها تعادل باشد، پیشنهاد متری را که می‌کند به ازای هر توصیفگر حداقل یک غیرتوصیفگر باید وجود داشته باشد. نتیجه این نسبت نشان می‌دهد که اصطلاحنامه فلسفه این متر را رعایت کرده و تقریباً به ازای هر توصیفگر یک و نیم غیرتوصیفگر وجود دارد. اما مسئله این است که در مقایسه تعداد روابط اصطلاحنامه‌ای در اصطلاحنامه علوم اسلامی و مقایسه توصیفگرهایی که شامل این روابط هستند، مشاهده می‌کنید که در اصطلاحنامه فلسفه ۳۱۷۶ غیرتوصیفگر وجود دارد. این تعداد غیرتوصیفگر در ۹۰۰ توصیفگر خلاصه شده‌اند که نسبت تعادل بین توصیفگر و غیرتوصیفگر در اصطلاحنامه فلسفه برقرار است. اما توزیع آن را می‌بینیم که ذیل ۹۰۰ توصیفگر ۳۱۷۶ غیرتوصیفگر آورده شده، یعنی تقریباً به ازای هر توصیفگر سه اصطلاح غیرمرجع قرار گرفته و ذیل سایر اصطلاحات توصیفگر مشاهده نمی‌شود. با توجه به صحت نتیجه‌ای که نسبت تعادل نشان می‌دهد، چرا ۳۱۷۶ غیرتوصیفگر در ذیل ۹۰۰ توصیفگر قرار گرفته است؟ یا به‌عبارت دیگر چرا حجم زیادی از غیرتوصیفگرها در ذیل شمار محدودی از توصیفگرها قرار گرفته‌اند؟

دکتر حرّی: آنچه خانم رها دوست در باب مقدمه اشاره کردند، به‌حق است و باید اجرا شود. در مجموع باید توجه داشت که این اصطلاحنامه برخلاف دیگر اصطلاحنامه‌هایی که تا به حال پدید آمده، هیچ پیشینه‌ای ندارد و تازه می‌خواهد به ترمینولوژی حوزه‌ای که چندان هم علاقه‌مند نیستند با یکدیگر توافق اصطلاحی داشته باشند، هویت بیخشد و این کار بسیار مشکلی است.

آقای امیرحسینی اشاره کردند که چرا نسبت غیرمرجع بالاست. دقیقاً نسبت یک غیرمرجع در یک اصطلاحنامه نشان‌دهنده عدم توافق اهل تخصص بر سر مفاهیم است و این خیلی طبیعی است. اگر تاریخچه پشت صحنه را آقای یعقوب‌نژاد اشاره کنند، تماشایی است. یعنی برای اینکه بدانند کدام اصطلاح موجه است، جلسات متعددی داشتند و بین بزرگان اختلاف رأی وجود داشت. در این حالت اگر کسی غیر از این جمع بود، کار را در میانه راه می‌کرد. زیرا استخراج

ابداع شده و پیوستگی را در شبکه اصطلاحات اصطلاحنامه مورد بررسی قرار می‌دهد، تعداد کل توصیفگرهایی که دارای ارجاع متقابل هستند، ارجاع اعم، اخص و وابسته نسبت به تعداد کل توصیفگرها سنجیده می‌شود و پیوستگی را در شبکه اصطلاحات نشان می‌دهد. دو نسبت درباره این نسبت وجود دارد که یکی نسبت خویشاوندی و دیگری نسبت انسجام^{۳۲} است. نسبت‌های مرتبط با نسبت‌های پیوستگی نسبت انسجام است که در ۲۰۰۵ توسط جناب آقای دکتر حرّی پیشنهاد شده است. برای اولین بار (نسبت خویشاوندی) و درصد پراکندگی^{۳۳} را هم بنده ارائه کردم و درباره این نسبت‌ها و نسبت‌هایی که در پایان‌نامه مذکور نظر گرفته و در خصوص آن بحث و بررسی شده با پروفیسور لنکستر ارتباطاتی برقرار شد و نامه‌نگاری‌هایی صورت گرفت. خصوصاً در این قسمت پروفیسور لنکستر معتقد است که درصد پراکندگی، مکمل نسبت پراکندگی است.

شیوه تحلیل به این شکل است که در درصد پراکندگی تعداد توصیفگرهای مجزا و غیرمتصل به شبکه اصطلاحات به تعداد کل توصیفگرها سنجیده می‌شود و درصد پراکندگی در اصطلاحنامه مشخص می‌شود، در نسبت انسجام تعداد توصیفگرهایی که دارای روابط اعم و اخص هستند، به تعداد کل توصیفگرها مورد تحلیل قرار می‌گیرد، یعنی هرم روابط سلسله مراتبی شکل می‌گیرد. در نسبت وابستگی تعداد توصیفگرهایی که دارای روابط وابسته هستند به تعداد کل توصیفگرها مورد تحلیل قرار می‌گیرد. نتایجی که از نسبت‌های مرتبط با نسبت‌های پیوستگی در اصطلاحنامه علوم اسلامی حاصل شد، به این ترتیب است که اصطلاحنامه اصول فقه دارای کامل‌ترین نمره پیوستگی و نسبت پیوستگی در بین سایر اصطلاحنامه‌های علوم اسلامی است. اصطلاحنامه منطق، فلسفه و کلام هم بیش از ۹۹ درصد پیوستگی در آنها مشاهده می‌شود که باز هم نسبت خوبی است. هیچ‌گونه پراکندگی یا توصیفگرهای مجزا و منفرد در شبکه اصطلاحات اصطلاحنامه اصول فقه وجود ندارد و تنها تعداد محدودی اصطلاحات توصیفگرهای مجزا و منفرد هستند که در اصطلاحنامه فلسفه و علوم قرآنی مشاهده می‌شوند. نسبت انسجام در اصطلاحنامه منطق، فلسفه و کلام فوق‌العاده بالا و هرم سلسله مراتبی آنها بسیار وسیع است. مسئله در نسبت وابستگی است، وابستگی در اصطلاحنامه اصول فقه با توجه به اینکه پیوستگی در آن کامل است و اصطلاحات مجزا و منفرد در آن وجود ندارد، گستره استفاده از اصطلاحات وابسته در این اصطلاحنامه ۸۹ درصد است و در سایر اصطلاحنامه‌های منطق، فلسفه و علوم قرآنی و کلام ۴۹، ۵۶، ۴۹ و ۵۲ درصد است.

سؤالی که اینجا مطرح می‌شود، این است که چرا میزان کاربرد



بهشتی

پیشنهاد می‌شود در اصطلاحنامه‌های علوم اسلامی از استاندارد ۵۹۶۴ استفاده شود تا بتوانیم اصطلاحنامه‌های علوم اسلامی را در سطح دنیا و به صورت بین‌المللی و حداقل در سه زبان عربی، فارسی و انگلیسی داشته باشیم

همان آغاز در خدمت آقای دکتر حری و استادان دانشگاهی بوده و افتخار می‌کنیم که در خدمت شما بزرگواران باشیم. فرمودند که ظاهراً امکانات خوبی دارید، اتفاقاً ما اصلاً امکانات نداریم. تاکنون برای جایی که می‌خواستیم کار کنیم، هشت بار جا به جا شدیم با جمعیت حدود میانگین ۵۰ نفر طلبه‌ای که معمولاً سطح عالی حوزوی دارند و عمدتاً به مسائل جدید دانشگاهی هم آشنایی دارند و دارای مدرک دانشگاهی هم هستند. در مورد فرمایش خانم بهشتی در مورد نرم‌افزار اصطلاحنامه، عرض کردم ما داریم ولی در عین حال از آن زحمتی که جناب آقای نوروزی کشیدند ما حاضر به خرید و استفاده از آن هستیم. و در مورد این که ما اطلاعات خود را در اختیار یکدیگر قرار دهیم ما مجموعه‌ای داریم که بسیار باز است و تا کنون ما با چند مؤسسه دینی هم قرارداد امضاء کردیم که در حال حاضر از کار ما استفاده می‌کنند. در مورد پیشنهادی که فرمودند از استاندارد ۵۹۶۴ هم استفاده شود انشاءالله انجام می‌شود ما الان ترجمه همه اصطلاحنامه‌ها به عربی را شروع کردیم و انجام شده است، فلسفه اسلامی فقط به انگلیسی ترجمه شده و برای ترجمه که البته ترجمه به یک معنی نیست و پیدا کردن اصطلاح در زبان دوم هست و بسیار کار پیچیده‌ای هم هست. ما امروز مشکل محقق در زبان‌های غیر عربی داریم، ما فرهنگستان نیستیم و اصطلاحنامه‌نویس هستیم ما یک مشکل با مفاهیم و رابطه بین مفاهیم داریم و مشکل عمده‌تری که داریم این است که این رابطه مفهومی را با کاربرانی که آن را به کار می‌برند جمع کنیم به هر حال ما با کسانی سر و کار داریم که می‌خواهد از آن استفاده کنند به خصوص که اسم حوزه ما فارسی است و علوم اسلامی حوزه‌ای است که فارسی و توأم با عربی است و تفکیک آن ممکن نیست و اگر ما اصطلاح را فارسی کنیم بسیار مشکل است البته سعی کردیم گاهی برای این که نشان دهیم که در این کشور هستیم و از فرهنگ این کشور باید به عنوان فرهنگ فارسی استفاده کنیم به عنوان اصطلاح نامرجع برخی از اصطلاحات فرهنگستانی را هم وارد کردیم. در مورد یادداشت دامنه باید بگویم که بله تعداد کمی یادداشت دامنه وجود دارد و ناگفته نماند که این کار یک کار عمومی نیست و یک کار کاملاً تخصصی است. در مورد اینکه سطوح تورفتگی را مشخص کنید این حرف برای ما قابل قبول نیست ما یک اصطلاحنامه کاملاً تخصصی هستیم یعنی وقتی در منطق وارد بحث الفاظ می‌شوم نمی‌توانم دو رده را با هم بیاورم بلکه رده‌ها بعد از هم به صورت پله‌ای قرار می‌گیرد و آنقدر این پله‌ها ادامه دارد که هر چه را که شما بشکنید اصولاً منطق به هم می‌ریزد. ما انتخاب سطوح را به نمایه‌ساز واگذار کردیم به نظر من اگر در اصطلاحنامه این کار انجام نشده باشد انجام شود. ما عملاً در اصطلاح‌سازی به عنوان

همگونی از دل ناهمگونی کار بسیار دشواری است. درباره‌ی وام‌واژه‌ها که خانم بهشتی اشاره کردند، وام‌واژه‌ها دو وضع دارند. گاهی جزء بدنه‌ی زبان مقصد می‌شوند. درست است که کلمه‌ای ساخت و ریشه عربی دارد، ولی این کلمه اکنون دیگر عربی نیست. یعنی اگر در چنین نحوی که کلمه را به کار می‌بریم، زاید برای یک عرب زبان به کار ببرید، اصلاً متوجه نمی‌شود. چون هویت آن تغییر کرده است. اما اگر منظور این است که ما کلماتی را که اصطلاح علمی است، به فارسی برگردانیم، اگر قبول داشته باشیم که این زبان کنترل شده قرار است مورد استفاده‌ی نمایه‌ساز قرار بگیرد و نمایه‌ساز این کار را می‌کند که رابطه‌ی بین سیستم کاربر و سیستم اطلاع‌رسانی را برقرار کند این نقض غرض است. ما باید از معلومات کاربر نمایه برای رسیدن به یک مجهول استفاده کنیم. بنابراین باید اصطلاحاتی را به کار ببریم که او متوجه شود. طبیعی است که زبان کنترل شده هر دو اینها یعنی هم اصطلاح مرجع و هم نامرجع را به کار می‌برد که اگر شخصی از طریق نامرجع مراجعه کرد، بتواند هدایت شود. ولی اصطلاحاتی هست که در حوزه عیناً با همین شکل به کار می‌رود. خانم بهشتی به عبارات اشاره کردند. گاهی یک عبارت با همان شکل خود یک مفهوم را می‌رساند و کاری نمی‌توان کرد. طبق پیشنهاد ایشان اگر کمی فضای ارتباطی را بازتر کنیم بسیاری از مسائل حل می‌شود.

دکتر یعقوب‌نژاد: دیدگاه‌های خانم رها دوست را حتماً در مقدمه بررسی و اشکالات آن را رفع خواهیم کرد. سؤالی مطرح شد که آیا اطلاعات به‌صورت الکترونیکی بوده و بعد می‌خواهند نمایه‌سازی کنند. باید عرض کنم که ابتدا به این شکل نبود. ولی در حال حاضر برنامه‌ای داریم که طبق گفته‌ی خانم بهشتی کل کار ما روی برنامه انجام می‌شود که همان برنامه ورود اطلاعات اصطلاحنامه است. در بانک واژگان اصطلاحنامه علوم اسلامی حدود ۱۳۰ هزار اصطلاح کنترل شده وجود دارد که محقق در برنامه مراجعه می‌کند و متن را می‌خواند و از اصطلاحنامه اصطلاح مربوط را می‌گیرد و به این متن وصل می‌کند. در حال حاضر به‌صورت الکترونیکی متن وجود دارد و ما در حین تدوین اصطلاحنامه‌ها اصل متن‌ها را دیدیم. اما با این پیش‌فرض که بناست متن آنها نیز بعداً به‌صورت الکترونیکی آماده شود و خود فیش‌هایی را که محققان در حین تدوین اصطلاحنامه دیدند و ثبت کردند، اگر آنها نیز وارد شود، به‌صورت خودکار ارتباط بین آن فیش اصطلاحنامه که آدرس داده شده به آن متنی که بعنا ملحق می‌شود، به وجود خواهد آمد.

درباره‌ی این که اصحاب اصطلاحنامه‌نگاری با یکدیگر ملاقات نمی‌کنند، این اشکال بزرگی است که باید حل شود. البته مرکز از

بهبشتی

یکی از مشکلات در اصطلاحنامه‌نگاری این بود که واژه‌هایی که فرهنگستان معادل‌گذاری می‌کرد، متداول نبود

که وجود دارد به شکلی رده‌های آن را معلوم کنیم. در مورد اصطلاحنامه اصول فقه نکته‌ای که لازم است اشاره کنم آقای امیرحسینی فرمودند که نسبت وابستگی در اصول فقه خیلی زیاد است اتفاقاً یکی از مشکلات عمده ما اصطلاحنامه علوم فقه و اصطلاحنامه‌هایی از این قبیل است که اصلاً این علمی است که از خودش هیچ چیز ندارد و فقیر است و هر چه را که دارد از باقی علوم گرفته است برای همین است که نسبت وابستگی آن فوق‌العاده است یعنی گاهی ما به این نتیجه می‌رسیم که اصلاً علم نیست و از فقه، کلام، منطق و فلسفه گرفته شده و همه اصطلاحات از جای دیگر است چون جای اصلی ندارد ولی مشاهده می‌شود که در متون و منابع اصلی اصول فقه این اصطلاحات به کار رفته است پس ربطی به این علم دارد و ربط آن ساختارمند نیست و آن حکایت از این دارد که این علمی است کاملاً فقیر که ساختار معنایی ندارد. در مورد تقسیم توصیف‌گرها این که عرض کردم که خود این مترادفات حکایت از این دارد که ما در حوزه علوم اسلامی مشکلات مفهومی فوق‌العاده‌ای داریم مثلاً وجود در فلسفه ۹۰ شکل به کار رفته است و این حکایت دیگری هم دارد و آن هم این که به بعضی از مباحث آنقدر پرداخته شده که کاملاً متورم شده ولی مباحث اساسی دیگری وجود دارد که مترادفی برای آن وجود ندارد.

دکتر امیرحسینی: از حضور استادان و کارشناسان در این نشست سپاسگزاریم.

پی‌نوشت‌ها

1. Reference input
2. Error signal
3. Context
4. ERIC
5. Education
6. MeSH
7. Feedback
8. Agro-voc
9. Fao
10. M.C
11. Connected ratio
12. Relative ness ratio
13. Integration ratio
14. Dispersion percent

یک کارگاهی که وارد کار شدیم و هر چقدر اصطلاحات را ریزتر و تخصصی‌تر تقسیم‌بندی کرده و نظام معنایی آن را مرتب کنیم برای نمایه‌ساز راحت‌تر است او می‌تواند انتخاب کند و بر اساس سیاست‌گذاری نمایه‌سازی یگوید که من می‌خواهم در نمایه‌سازی تا دو رده پایین بروم. در مورد اصطلاحات مرکب هم من منکر نمی‌شوم که گاهی اشتباه کرده باشیم چون اصطلاحنامه یک کار جمعی است و کار فردی نیست مثلاً اصطلاحنامه منطق را ۸ نفر به اضافه دو استاد کارشناس حوزوی روی آن باید بحث کنند، در جلسات افرادی بودند که نظر را قبول نداشتند ولی وقتی جمع به آن رأی دادند قبول کردند.

در ویرایش‌های جدید ما کدگذاری را انجام دادیم و به خصوص در همایش اصطلاحنامه، نرم‌افزار اصطلاحنامه علوم اسلامی را با کدگذاری و ترجمه عربی انشاءالله ارائه می‌شود و کار دیگری که انجام دادیم این است که بر اساس اصطلاحنامه علوم اسلامی، پایگاه اصول فقه را انجام دادیم یعنی اصطلاحنامه در آنجا در نرم‌افزار وجود دارد محقق یک اصطلاح را انتخاب می‌کند و روابط مورد نظر خود را می‌بیند و از همانجا به توضیحات مفهومی، آدرس‌ها، ارجاعات و اطلاعاتی که داده شده مراجعه می‌کند و متن مورد نظر را در کتاب‌های مربوطه می‌بیند، ۶۰ کتاب‌های اصلی از اصول فقه که در واقع از منابع اصلی اصول فقه هستند در این پایگاه وجود دارد و انشاءالله بقیه پایگاه‌های علوم اسلامی را هم انجام خواهیم داد که یکی از آنها پایگاه علوم قرآنی است. در مورد تغییر نام‌گذاری هم کار بسیار مشکل است منتهی ما در مستندات خود معمولاً این کار را کردیم یعنی وقتی اصطلاحی را در نرم‌افزار می‌بیند اگر به اطلاعات مستندات آن مراجعه کنید متوجه می‌شوید که این اصطلاح را چه کسی به کار برده و از چه تاریخی به کار رفته است.

دکتر امیرحسینی: تشکر می‌کنم. در خاتمه جلسه تنها می‌توان به یک سؤال حضار پاسخ داد اگر هست بفرمایید.

شرکت‌کننده: در مورد منطق فازی که چرا زیرمجموعه نیامده است اساساً تشابه مشترک لفظی است، منطق فازی یا منطق ارسطویی زیرمجموعه قرار نمی‌گیرد و صرفاً آن منطق احتمال است و در آنجا منطق ارسطویی حاکم است. منطق ارسطویی بحث مهندسی فکر است و ارتباطی به منطق احتمال ندارد. منطق جدید هم در منطق ارسطویی هضم می‌شود.

دکتر یعقوب‌نژاد: فرمایش خانم دکتر رهادوست مهم است به این جهت که وقتی اصطلاحنامه منطق کار ما هست به هر حال باید عناوینی را

نقدی بر اصطلاحنامه فیزیک

• فاطمه (بهار) رها دوست

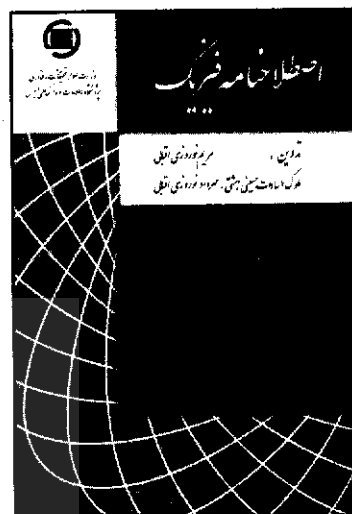
غریبی و مدیر گروه پژوهشی «اصطلاحنامه جامع»، خانم دکتر بهشتی کتابداری و اطلاع‌رسانی نیست. تخصص موضوعی دکتر غریبی شیمی و تخصص موضوعی دکتر بهشتی زبان‌شناسی است که از قضا رشته‌های بسیار مهم، بنیادی و تعیین‌کننده در اصطلاحنامه‌سازی هستند. شاید به دلیل نهادی شدن کار در این مرکز، ردپای سبک و سیاق فردی را در این اصطلاحنامه نمی‌بینیم و این ویژگی مثبتی است. زیرا گاه ممکن است اصطلاحنامه‌سازی که حوزه تخصصی‌شان اطلاع‌رسانی نیست، به دلیل دسترسی نداشتن به جمع متخصصان اطلاع‌رسانی، به فردی متخصص روی آورند و بی‌آنکه خود متوجه شوند، حاصل کارشان بازتاب‌دهنده دیدگاه تخصصی آن فرد متخصص شود!

عمر به نظر می‌رسد تهیه‌کنندگان اصطلاحنامه‌های پژوهشگاه و از جمله اصطلاحنامه فیزیک، رویکرد نقدپذیری دارند، و این ویژگی یقیناً در پیشبرد روند کارشان مؤثر بوده است. در سال ۱۳۷۶ که در مقدمه نخستین ویراست اصطلاحنامه پزشکی فارسی درباره ویراست نخست اصطلاحنامه نما نکاتی را یادآور شدیم، و پس از پژوهش خانم کازرانی در ۱۳۷۸، خانم بهشتی بدون کمترین سوءتعبیر و تحمل‌ناپذیری که متأسفانه در میان برخی از بزرگان ما در حوزه اطلاع‌رسانی بسیار رایج است، نه تنها از نقد نرنجیدند، از آن برای اصلاح نما بهره گرفتند که تفاوت تحسین برانگیز آخرین ویراست نما نسبت به ویراست اول، مؤید آن است.

نگارنده این سطور در ادامه اصطلاحنامه فیزیک را از سه جنبه روابط معنایی، ساختار شکلی، و نحوه ارائه بررسی کرده و در هر بخش مصداق‌هایی می‌آورد.

الف) روابط معنایی: با نگاهی به مدخل‌های «علوم طبیعی»، «علوم انسانی» و «علوم اجتماعی» درمی‌یابیم که درخت این اصطلاحنامه اشکال بنیادی دارد. معلوم نیست که چرا علوم همانند مدیریت، رایانه، جغرافیا، باستان‌شناسی، اقیانوس‌شناسی، و اقتصاد زیرشاخه هیچ علمی قرار نگرفته‌اند. درحالی‌که می‌دانیم مدیریت، از زیرشاخه‌های علوم اجتماعی و رایانه از زیرشاخه‌های علوم مهندسی یا علوم و فنون است و جغرافیا نیز قطعاً از نظر وسعت، هم‌تراز علوم اجتماعی و علوم طبیعی نیست که همانند آنها در مرتبه سرشاخه قرارگیرد. این یک اشکال منطقی است که هر غیرمتخصصی هم به آن پی می‌برد.

اشکال دیگر آن است که «علم اطلاع‌رسانی» و «علوم انسانی»، ذیل «کاربرد رایانه» آمده‌اند که نه تنها از نظر علمی غلط است، بلکه از نظر منطقی نیز پذیرفتنی نیست که مثلاً علوم انسانی که خود شامل چند حوزه گسترده همچون ادبیات، تاریخ، زبان‌شناسی، موسیقی و هنر



■ اصطلاحنامه فیزیک. مریم نوروژی اقبالی و دیگران، تهران: پژوهشگاه و مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران، ۱۳۸۵. شابک: x-۳۹-۷۵۱۹-۹۶۴

در سال ۱۳۷۸ که خانم مریم کازرانی درباره ارزیابی اصطلاحنامه‌های فارسی با استانداردهای «ایزو ۲۷۸۸» پژوهش می‌کردند و نگارنده این سطور مشاور ایشان بود، با مشکل کمبود اصطلاحنامه‌ها در شاخه‌های علوم پایه روبه‌رو بودیم و اکنون که هشت سال از آن زمان می‌گذرد، شاهدیم که فقط در یک سازمان همانند پژوهشگاه اطلاعات و مدارک علمی ایران، اصطلاحنامه‌هایی در چند شاخه موضوعی (علوم و فنون، ارتقای بهداشت، علوم زمین، فیزیک، شیمی و جامعه‌شناسی) تهیه شده که مایه امیدواری است.

پس از این مقدمه، اشاره به چند نکته را لازم می‌دانم:

۱. تهیه این اصطلاحنامه‌ها، تویددهنده پیشرفت روند اصطلاحنامه‌سازی در ایران است؛
۲. این اصطلاحنامه‌ها هدفمند، روشمند و با برنامه‌ریزی تهیه شده‌اند؛
۳. نهادی که این اصطلاحنامه‌ها را منتشر کرده، با اجرای چنین پروژه‌هایی نه تنها بی‌ارتباط نیست، بلکه ارتباط مستقیم دارد؛
۴. تلاش شده از نظر و کار متخصصان بهره‌گیری شود و کارها سوگیرانه انجام نشود؛
۵. با اینکه تخصص دانشگاهی رئیس پژوهشگاه، آقای دکتر

با نگاهی به مدخل‌های «علوم طبیعی»، «علوم انسانی» و «علوم اجتماعی» درمی‌یابیم که درخت این اصطلاحنامه اشکال بنیادی دارد

اصطلاحنامه فیزیک، ملزومات اصلی یک اصطلاحنامه، یعنی نمایه الفبایی، درختی، گردشی، و انگلیسی به فارسی را دارد

۹. آیا نسخه الکترونیکی این اصطلاحنامه تهیه شده و در دسترس است؟ آیا امکان دسترسی به نسخه الکترونیکی در آینده وجود دارد؟
۱۰. آیا نرم‌افزار قاموس توان ارائه نمایه‌های کامل‌تر از نمایه‌های اصطلاحنامه فیزیک را دارد؟
۱۱. و از همه مهم‌تر اینکه چه رابطه‌ای بین اصطلاحنامه فیزیک و ذخیره و بازیابی اطلاعات در کتابخانه مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران وجود دارد؟
البته نگارنده از راه‌هایی، جز مراجعه به مقدمه این اصطلاحنامه، پاسخ بسیاری از پرسش‌ها را یافته، اما همین مراجعه به منبعی جز مقدمه، وجهی پارادوکسیکال به اصطلاحنامه می‌بخشد، بدین معنا که اصطلاحنامه که باید خود راهنما باشد، نیاز به کلید و ابزار دیگری برای راهنما بودن دارد و این نقض غرض است.
گذشته از همه این نکات، صمیمانه پیشنهادهایی طرح می‌شود و امید می‌رود که مدیران، ناظران، تهیه‌کنندگان و به‌ویژه مجری طرح ملی اصطلاحنامه جامع که تاکنون رویکرد مثبتی نسبت به نقدها و پیشنهادها داشته‌اند و نگارنده شخصاً این فروتنی و نقدپذیری را تحسین می‌کند، به آنها توجه کنند.

پیشنهاد نخست:

تلاش برای درون‌زاد کردن فرآیند اصطلاحنامه‌سازی

برای اینکه بتوانیم اصطلاحنامه‌هایی اصیل و درون‌زاد را بر پایه پشتوانه‌های انتشاراتی خودمان و بر اساس نیازهای مشخص و شناخته‌شده ذخیره و بازیابی بومی و ملی‌مان تهیه کنیم، باید موارد زیر رعایت و به آن عمل شود:

۱. چنانچه از اصطلاحنامه‌های خارجی بهره می‌گیریم، نخست آنها را دقیقاً شناسایی و نقد کرده، آنگاه از آنها استفاده کنیم. همه می‌دانیم که Mesh بیش از هر اصطلاحنامه‌ای در جهان کاربرد دارد و حاصل تجارب علمی ارزنده یکی از پیشروترین کتابخانه‌های تخصصی جهان، یعنی کتابخانه ملی پزشکی امریکاست. اما ساختار درختی همین اصطلاحنامه معتبر و مهم در برخی از شاخه‌ها مشکلات بنیادی دارد که قابل چشم‌پوشی نیست و نگارنده این سطور در هر دو ویراست اصطلاحنامه پزشکی فارسی کوشیده این اشکالات را رفع کند. توصیه می‌شود پژوهشگاه اطلاعات و مدارک علمی ایران هم که تاکنون اشکالات بنیادی روابط معنایی SPINES و INSPEC را تجربه کرده، دانش و تعقل متخصصان ایرانی را برای شناسایی نقاط ضعف اصطلاحنامه‌های خارجی دست کم نگیرد و پس از شناسایی دقیق و عمیق و نقد و اصلاح این اصطلاحنامه‌ها، از آنها بهره گیرد.

است، همگی زیرشاخه علم رایانه، آن هم نه خود آن علم، بلکه کاربرد آن علم قرار گیرند! از سوی دیگر اگر از نظر تهیه‌کنندگان این ساختار درختی (INSPEC) علم رایانه و کاربرد آن، به اندازه‌ای مهم است که سرشاخه همه علوم انسانی، با آن همه وسعت و عمق، قرار گرفته است، معلوم نیست چرا این «رایانه‌زدگی» علوم دیگری مثل علوم اجتماعی و طبیعی و رفتاری را که از قضا بیش از علوم انسانی از علم رایانه بهره می‌برند، دربرنگرفته است؟! چنانکه اصطلاحات «کاربرد رایانه در علوم اجتماعی»، «کاربرد رایانه در علوم طبیعی» و «کاربرد رایانه در علوم رفتاری» به‌درستی ذیل علوم اجتماعی و علوم طبیعی و علوم رفتاری، و وابسته به آنها آمده است.

ب) ساختار شکلی: اصطلاحنامه فیزیک، ملزومات اصلی یک اصطلاحنامه، یعنی نمایه الفبایی، درختی، گردشی، و انگلیسی به فارسی را دارد، جز اینکه اصطلاحات رأس می‌توانست با تغییر فونت در برخی از نمایه‌ها مشخص شود. اشکال دیگر اینکه مینیاتوری از ساختار درختی ارائه نمی‌کند. البته حتی اگر خلاصه‌ای از درخت تهیه می‌شد، این درخت با توجه به اشکالات بنیادی پیش گفته، به‌هیچ‌وجه دارای حداقل انسجام یک حوزه دانش نیست. تصور کنید درختی را که کاربرد علم رایانه یکی از شاخه‌های تنومند آن و حوزه‌های تاریخ، ادبیات، زبان‌شناسی، هنر

و موسیقی شاخه‌های ریزتر آن باشند! و شاید تهیه‌کنندگان INSPEC به همین دلیل از ارائه خلاصه درخت خودداری کرده‌اند.

ج) نحوه ارائه: نحوه ارائه اصطلاحنامه فیزیک به‌گونه‌ای بود که بسیاری از پرسش‌های نگارنده این سطور را در مقام یک خواننده بی‌پاسخ گذاشت. این پرسش‌ها عبارت‌اند از:

۱. تهیه و در واقع ترجمه اصطلاحنامه فیزیک چقدر زمان برده است؟
۲. مخاطبان اصلی این اصطلاحنامه فارسی چه کسانی‌اند؟
۳. INSPEC مخفف چیست؟ چه تاریخچه‌ای دارد و چه کسانی در کجا و با چه اهدافی آن را مدیریت می‌کنند؟
۴. کدام ویرایش آن (در چه سالی) مبنای ترجمه قرار گرفته است؟
۵. معیارهای گزینش اصطلاحات در INSPEC چه بوده است؟
۶. در مواردی که بین ترجمه واژه‌ها در مرکز نشر دانشگاهی و فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی اختلاف نظر وجود داشته، چه ضوابطی معیار یا راهنمای تصمیم‌گیری مترجمان بوده است؟
۷. آیا اصطلاحات بخش فیزیک موجود در منبع اصلی عیناً ترجمه شده یا برحسب مورد، کاهش‌ها و افزایش‌هایی صورت گرفته است؟
۸. تعداد اصطلاحات گزیده و ناگزیده و تعداد شناسه‌ها در اصطلاحنامه فیزیک چقدر است؟